

Research Paper

An Analysis of the Driver Factors of Universities on Social Responsibility: An Approach to Achieving Fourth Generation Universities' Mission

Mahboobeh Shokrollahi¹, Rasol Davoudi^{2*}, Naghi Kamali³

1. Department of Educational Administration, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran
2. Department of Educational Administration, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran
3. Department of Educational Administration, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

Received: 2020/2/17

Accepted: 2020/7/7

PP: 16-32

Use your device to scan and read the article online



DOI:

[10.30495/jedu.2021.4537](https://doi.org/10.30495/jedu.2021.4537)

Keywords:

Social Responsibility, Social Responsibility Drivers, Fourth Generation Universities

Abstract

The purpose of this study was to identify the factors that lead the university system to social responsibility. The research method was applied research in terms of purpose, was exploratory mix in terms of the nature and the method of data collection was survey. The statistical populations of the study in the qualitative part were the academic experts in the northwest universities of the country among whom 10 persons were selected in the process of reviewing and confirming the qualitative findings of the research. The statistical population of the quantitative section consisted of 1100 faculty members of Islamic Azad universities of northwest of country, 259 of whom were selected by stratified random sampling. Data collection tools were texts, documents and questionnaires. The validity and reliability of the qualitative section were confirmed by experts and the construct validity and convergence of the questionnaire were confirmed by confirmatory factor analysis. Cronbach's alpha and combined reliability were used to estimate the reliability of the questionnaire. Qualitative content analysis technique was used to analyze the data in qualitative section and confirmatory factor analysis was used in quantitative section. The findings of qualitative and quantitative analysis led to the identification 37 indicators and 5 factors that organizational, cultural, economic, political, and social factors were identified as factors affecting the social responsibility of the academic system, respectively.

Citation: Shokrollahi Mahboobeh, Davoudi Rasol, Kamali Naghi.(2021). An Analysis of the Driver Factors of Universities on Social Responsibility: An Approach to Achieving Fourth Generation Universities' Mission Journal of New Approaches in Educational Administration; 12(3):16-32

Corresponding author: Rasol Davoudi

Address: Department of Educational Administration, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

Email: rasolrd@yahoo.com

مقاله پژوهشی

تحلیلی بر عوامل سوق دهنده دانشگاه‌ها بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی: رهیافتی جهت نیل به رسالت دانشگاه‌های نسل چهارم

محبوبه شکرالهی^۱، رسول داودی^{۲*}، نقی کمالی^۳

۱. دانشجوی دکترای گروه مدیریت آموزشی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۲. گروه مدیریت آموزشی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۳. گروه مدیریت آموزشی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل سوق دهنده نظام دانشگاهی بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی بود. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت داده‌ها آمیخته اکتشافی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی خبرگان و صاحب‌نظران دانشگاهی در شمال غرب کشور بودند که از بین آن‌ها ۱۰ نفر در فرایند نظردهی و تایید یافته‌های کیفی پژوهش انتخاب شدند. جامعه آماری بخش کمی شامل ۱۱۰۰ نفر اعضای هیات علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی شمال غرب کشور بودند که ۲۵۹ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها متون، اسناد و پرسشنامه بود. روایی و اعتبار بخش کیفی بر اساس نظر خبرگان تایید گردید و روایی سازه و همگرایی پرسشنامه نیز با تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین جهت برآورد پایایی پرسشنامه از آلفای کرانباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد. جهت تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از تکنیک تحلیل محتوای کیفی با روش تحلیل مضمون و در بخش کمی از تحلیل عاملی تاییدی استفاده گردید. یافته‌های حاصل از تحلیل‌های کیفی و کمی منجر به شناسایی ۳۷ شاخص و پنج عامل گردید که به ترتیب پنج عامل سازمانی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به عنوان عوامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی شناسایی شدند.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۷

شماره صفحات: ۱۶-۳۲

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

[10.30495/jedu.2021.4537](https://doi.org/10.30495/jedu.2021.4537)

واژه‌های کلیدی:

مسوولیت‌پذیری اجتماعی، عوامل سوق دهنده مسوولیت‌پذیری اجتماعی، دانشگاه‌های نسل چهارم

استناد: شکرالهی محبوبه، داودی رسول، کمالی نقی. (۱۴۰۰). تحلیلی بر عوامل سوق دهنده دانشگاه‌ها بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی: رهیافتی جهت نیل به

رسالت دانشگاه‌های نسل چهارم. دوماهنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۱۲ (۳): ۱۶-۳۲

* نویسنده مسوول: رسول داودی

نشانی: گروه مدیریت آموزشی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

پست الکترونیکی: rasoldr@yahoo.com

مقدمه

پاسخگو را برای مؤسسات آموزش عالی مطرح می‌کنند. نجاتی، شفیعی، سلامزاده و دارایی (Nejati, Shafaei, Salamzadeh & Daraei, 2011) با مطالعه ده دانشگاه برتر دنیا نتیجه گرفتند که این دانشگاه‌ها به صورت بسیار گسترده به دنبال توسعه مسوولیت‌پذیری اجتماعی هستند.

در عصر امروز عوامل مهم تولید دیگر منابع طبیعی از قبیل خاک و منابع زیرزمینی نیستند بلکه سرمایه‌گذاری‌های نامشهودی هستند که توسط مؤسسات مختلف از جمله دانشگاه‌ها جهت پیشرفت اثربخش جامعه انجام می‌گیرند (Giuffre & Ratto, 2014). دانشگاه مسوولیت‌گرای امروز نهادی اجتماعی است که به یاری قابلیت‌های کارکردی خود سهمی موثر در توانش‌ها و تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه بر عهده دارد و می‌تواند از پایگاهی ارزنده برای آگاهی‌بخشی و هدایت عمومی و نقد و نظارت بر سیاست‌های حاکم و روندهای اثرگذار بر سرنوشت جمعی ملت‌ها و دولت‌ها برخوردار باشد. با توجه به این نشان‌هاست که می‌توان مسوولیت اجتماعی دانشگاه را یکی از دلالت‌های فلسفه اجتماعی آن دانست که موجبات منطقی را برای ایفای نقش پساآموزشی و فرانهادی آن در مواجهه مسوولانه با مسائل اجتماعی و پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای مخاطبان فراهم می‌کند (Bok, 2018).

گسترش مطالعات جهانی مسوولیت اجتماعی دانشگاه، اهمیت روزافزون آن را برای فضاهای علمی و دانشگاهی ایران نیز فراهم کرده است. در جوامع پیشرفته امروز اهداف کارکردی دانشگاه دیگر محدود به دیوارهای کلاس درس و مرزهای معمول آموزش و پژوهش نیست و عرصه مسوولیت اجتماعی آن‌ها به حوزه‌های متنوعی از فضای اجتماعات ملی و بین‌المللی گسترش یافته است. با این حال کشورهای در حال توسعه نیز به شدت به دنبال گسترش مسوولیت‌های اجتماعی خویش هستند؛ در آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب طرح «دانشگاه سازنده ملت» مسوولیت اجتماعی دانشگاه‌ها را در سه سطح فردی، اجتماعی و جهانی دنبال می‌نماید (Jara, 2007). در این راستا در نیوزلند وزیر آموزش و پرورش این کشور پیشنهاد کرد که از سال ۲۰۱۰ بودجه دولتی دانشگاه‌ها را بر اساس تعداد دانش‌آموختگانی تنظیم کنند که پس از اتمام تحصیل استخدام شده باشند (Brown & Cloke, 2009). در دانشگاه‌های کروات مراکز دانشگاهی موظفند به عنوان یک اجتماع آکادمیک فعالانه به کیفیت زندگی اجتماعی کمک کرده و شهروندانی فعال و به لحاظ اجتماعی مسوول را به جامعه تحویل نمایند (Ledic et al, 2008). در ترکیه آموزش اخلاق و مسوولیت اجتماعی به دانشجویان، آموزش اجتماعات محلی و ملی و کمک به رفاه اجتماعات محلی به عنوان سه عنصر

الزامات و ضرورت‌های جوامع انسانی، موجبات تغییر و تحول در کارکردها و رسالت‌های نظام دانشگاهی را فراهم می‌آورند. این امور بازنديشی در نقش نهادهای آموزش عالی و اهداف آن‌ها را ضروری می‌سازند (ramos-monge et al, 2019; grau, 2017) و سبب می‌شوند تا آن‌ها به سمت مسوولیت‌های واقعی خود در محیط و اجتماع سوق داده شوند (Gomez & Giroto, 2015). بر بستر این تغییر و تحولات بیش از پیش، به دانشگاه نه تنها جزیره منفصلی از جامعه، بلکه در ارتباط تنگاتنگ با جامعه نگرینسته می‌شود. دانشگاه‌ها در حال تجربه یک جابه‌جایی از درون به بیرون، از اجماع علمی به فضای عمومی، از زندگی در خود به پاسخگویی و از تحقیق محض به تحقیق درگیر با واقعیت‌های عینی سیاسی، اجتماعی و بازار هستند و خود را ناگزیر می‌بینند تا از چهارچوب خودساخته دانشگاهی بیرون آیند (afkaneh et al, 2018). تغییر و تحولات مستمر فضای آموزش عالی موجب ظهور نسل‌های مختلف دانشگاهی در جهان شده‌اند. دانشگاه‌های نسل اول و دوم بر آموزش و پژوهش متمرکز بودند، دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم علاوه بر انجام وظایف سنتی آموزش و پژوهش فعالیت‌های خود را به بیرون از دانشگاه معطوف و کارکرد ارائه خدمات موازات با نیازهای اجتماعی را دنبال کرده‌اند (Alipoor & Enayati, 2017).

نیاز روز افزون به توسعه فعالیت‌های اجتماعی دانشگاه موجب شده است تا دیگر نتوان مانند گذشته این نهاد را سواى جهت‌گیری‌های اجتماعی آن تصور کرد و به مثابه پدیده‌ای در خود و برای خود در نظر گرفت. دانشگاه امروزی رسالت کنش‌گری خویش را منوط به کارکردهای درون‌نهادی از قبیل نقش‌های متعارف آموزشی و پژوهشی نمی‌سازد و ناچار از ترک اکتف به صرف تولید و ترویج دانش و یا تربیت طیف وسیعی از دانش‌آموختگان در حوزه‌های مختلف علوم است (Bok, 2018). جوامع امروز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را به عنوان نهادی پرارزش و مراکز ذکاوت و فعالیت‌های خلاق جهت پیشرفت و توسعه در اختیار دارند تا از این طریق پاسخگویی نیازهای واقعی جامعه در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشند (al, 2010; Gourova, 2009; Vasilescu et Todorova & Gourov, 2009).

دیگر نمی‌توان این نگرش را پذیرفت که مسوولیت‌پذیری اجتماعی خاص سازمان‌ها و شرکت‌های صنعتی و تولیدی است. در تحقیق جابور (Jabbour, 2010) دانشگاه‌ها یکی از سازمان‌های بسیار تأثیرگذار بر محیط نام برده شده‌اند. در مطالعه کاریمان، یاماموتو و اوشیما (Karima, Yamamoto & Oshima, 2006) نشان داده شد که دانشگاه‌ها به مثابه سایر بخش‌های اقتصادی در قبال جامعه مسوول و پاسخگو هستند تا جایی که واژه دانشگاه

اصلی برای مسوولیت اجتماعی دانشگاه‌ها عنوان شده است (Atakan & Eker, 2007).

طبق آمار خبرگزاری ایسنا^۱ (ISNA, 2018) و موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی^۲ (IRPHE, 2018) در ایران ۲۵۶۹ دانشگاه و مراکز آموزش عالی، ۸۵۵۹۴ عضو هیات علمی و ۳۶۱۶۱۱۲ دانشجو وجود دارد که روی هم رفته یک ظرفیت عظیم علمی را ایجاد کرده است. به همین دلیل ایران در بین ۱۰ کشور جهان که بیشترین دانشگاه را دارند قرار گرفته است. با عنایت به آمار فوق، اگر کارکرد مسوولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی نظام دانشگاهی ایران به نحو مطلوبی محقق شود، می‌تواند بخش بزرگی از مسائل و مشکلات مبتلا به نظام اجتماعی را مرتفع نماید. از آن جا که دانشگاه‌ها مسوولیت‌های خطیری در حوزه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر عهده دارند، می‌توانند راهکارهای مناسبی را برای بسیاری از مشکلات جامعه فراهم آورده و یاری‌رسان جامعه در دستیابی به اهداف عظیم باشند. به نظر می‌رسد اهم فعالیت‌های این ظرفیت بزرگ دانشگاهی در ایران بیشتر معطوف بر انجام رسالت‌های دانشگاه‌های نسل اول و دوم شده و از مأموریت‌های نسل سوم و چهارم دانشگاهی غفلت گردیده است. مروری بر وضعیت کنونی کشور نشان می‌دهد که جامعه ایران با چالش‌های بزرگی چون تورم، بیکاری، اقتصاد تک-محصولی، قاچاق، کمبود بهره‌وری، فناوری‌های نوین، بحران‌های زیست‌محیطی، دیپلماسی بین‌المللی، بیماری‌های نوپدید و ... مواجه است که نیازمندی دولت‌ها به دانشگاه را در مواجهه کارگشا با این پدیده‌های مخاطره‌آمیز نمایان می‌سازد و ضرورت بازنگری در نقش و کارکردهای نهادهای مسوولی چون دانشگاه‌ها و لزوم مشارکت آن‌ها را در مناسبات محیط اجتماعی برملا می‌کند. در این مسیر گذر از نسل‌های دانشگاهی، تکیه و تمرکز نظام دانشگاهی ایران بر صرف تربیت نیروی انسانی و پژوهش‌های درون‌دانشگاهی، کفایت از سایر کارکردهای فرانهادی آن نمی‌کند و باید سازوکارهای دیگری برای ایفای نقش فعال‌تر دانشگاه در عرصه اجتماعی فراهم آید که این امر مستلزم فراهم‌نمایی بسترهای لازم و شناسایی عوامل تسهیل‌گر آن است.

مسوولیت‌پذیری اجتماعی رویکردی نوین در نسل-های دانشگاهی

مفهوم مسوولیت اجتماعی طی چند دهه اخیر ایجاد شده است. هر چند در ابتدا تمرکز اصلی این مفهوم بر روی شرکت‌های بزرگ بوده، ولی این امر اکنون فراتر از سازمان‌های بزرگ حتی نهادهای کوچک را نیز درگیر کرده است. اخیراً چند سالی است که این مفهوم در خصوص دانشگاه‌ها نیز مطرح شده است. هر چند که

تعریف مسوولیت اجتماعی برای شرکت‌ها آسان نیست با این حال تعریف آن برای دانشگاه‌ها خیلی سخت‌تر است. مسوولیت اجتماعی دانشگاه موضوعات مختلفی را مانند اقدامات داوطلبانه، رویکرد اخلاقی، تشویق دانشجویان و اساتید به ارائه خدمات اجتماعی به جوامع محلی و تعهدات زیست‌محیطی و اکولوژیکی برای توسعه پایدار محلی و جهانی شامل می‌شود (Vasilescu, Barnab, Epurec & Baicud, 2010). کارول (Carroll, 1999) در تعریف خود از مسوولیت اجتماعی بیان می‌کند که مسوولیت-پذیری اجتماعی سازمان شامل انتظارات اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه جامعه از سازمان در زمان خاص است. از نظر ریزر (Reiser, 2008) مسوولیت اجتماعی دانشگاه‌ها یک سیاست برای عملکرد اخلاقی جامعه دانشگاهی (دانشجویان، اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه) است که از طریق مدیریت مسوولانه و با تأثیرات آموزشی، شناختی، انسانی و زیست‌محیطی و تعامل متقابل آن با جامعه موجب توسعه پایدار می‌گردد (Shafaei, Abili & Faramarz, 2017).

در پی کنفرانس جهانی آموزش عالی یونسکو در سال ۱۹۹۸، کم‌کم پژوهش‌هایی برای بررسی مسوولیت اجتماعی دانشگاه از اواخر دهه ۱۹۹۰ شکل گرفتند. در بیانیه این کنفرانس اعلام شد که مسوولیت دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی صرفاً آموزش جوانان و فراهم کردن فرصت رشد حداکثری برای آنان نیست، بلکه این موسسات باید از طریق کارکردهای اصلی خود (تحقیق، آموزش و خدمات رسانی به اجتماع) به جوانان بیاموزند که چگونه این توانایی‌ها و استعدادها را با حداکثر احساس مسوولیت اجتماعی به کار بندند (UNESCO, 2009).

هارکاو (Harkavy, 2006) معتقد است از دانشگاه به لحاظ اجتماعی مسوول انتظار می‌رود به فعالیت‌ها و ارزش‌هایی تمایل نشان دهد که تأکید می‌کند دانشگاه باید چیزی فراتر از محصولات کار معمول آموزشی و تحقیقاتی‌اش را به جامعه برگرداند. استرنر (Ostrander, 2004) معتقد است دانشگاه‌ها مسئولند که تضمین کنند دانش آکادمیک تولید شده توسط آن‌ها مستقیماً به شرایط زندگی انسان‌ها و توسعه جامعه مدنی کمک می‌کند. نگی و راب (Nagy & Robb, 2008) معتقدند که نقش اجتماعی دانشگاه‌ها اساساً به توانایی آن‌ها در مشارکت پویا در مسائل درون جامعه وابسته است. از دیدگاه داهان و سینول (Dahan & Senol, 2012)، هر چند مسوولیت اجتماعی می‌تواند بخشی از مأموریت موسسات آموزشی باشد ولی اکنون آن‌ها از طریق اجرای مسوولیت اجتماعی به عنوان بخشی از استراتژی رقابتی استفاده می‌کنند. والایس، کروز و ساسیا (Vallaey, Cruz, & Sasia, 2011) بر این باورند که اگر دانشگاه در حال تولید و ترویج

تدریس را وظیفه اصلی خود می‌دانستند، نقش اصلی دانشگاه‌های نسل اول محدود به آموزش نیروی انسانی و شناخت حقیقت بود. اما تغییر و تحول در شرایط و نیازهای جامعه دانشگاه‌ها را به رسالت پژوهشی رهنمون گردید که از آن به عنوان انقلاب نخست دانشگاه‌ها یاد شد و طی آن پژوهش علاوه بر وظیفه سنتی آموزش به کارکردهای دانشگاهی اضافه گردید (Alipoor & Enayati, 2017). به دنبال کاهش بودجه‌های عمومی پژوهش دانشگاه‌ها دیگر نمی‌توانستند به صرف اتکا به بودجه‌های دولتی و بدون توجه به مسائل اقتصادی و بازگشت سرمایه، به انجام پژوهش مبادرت ورزند. این امر دانشگاه‌های مدرن را بر آن داشت تا جهت کسب سرمایه‌های بیشتر به فعالیت‌های تجاری و کسب-وکار روی آورند که از آن‌ها به عنوان دانشگاه‌های کارآفرین یا نسل سوم یاد گردید (Mok, 2005). در دانشگاه‌های نسل سوم جایگاه علوم انسانی و تربیتی در بحث فناوری و صنعت مغفول مانده بود، لذا پرورش فرد کارآفرین آشنا با فرهنگ ملی و ارزشی با هدف رفاه و تعالی بشریت با در نظر گرفتن جایگاه علوم انسانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. لذا دانشگاه‌های نسل چهارم دانشگاه-هایی با ماموریت آموزشی، پژوهشی، کارآفرینی و مبتنی بر فناوری نرم هستند که هدف اصلی آن‌ها ایجاد رفاه اجتماعی برای جوامع انسانی است (Alipoor & Enayati, 2017). به نظر می‌رسد در نسل نوین دانشگاهی مسوولیت‌پذیری اجتماعی یکی از ماموریت-های مهم آن‌هاست. در جدول (۱) ویژگی‌های نسل‌های دانشگاهی و جایگاه مسوولیت‌پذیری اجتماعی در بین آن‌ها ترسیم گردیده است.

جدول ۱- ویژگی‌های نسل‌های دانشگاهی

| شاخص | نسل اول | نسل دوم | نسل سوم | نسل چهارم |
|-------|-------------|----------------------|----------------------------------|--|
| هدف | آموزش | آموزش و پژوهش | آموزش، پژوهش و استفاده از دانش | آموزش، پژوهش، استفاده از دانش و فناوری نرم |
| نقش | شناخت حقیقت | شناخت طبیعت | ایجاد ارزش افزوده | ایجاد رفاه اجتماعی، مسوولیت-پذیری اجتماعی |
| خروجی | حرفه‌ای‌ها | حرفه‌ای‌ها و علمی‌ها | حرفه‌ای‌ها، علمی‌ها و کارآفرینان | حرفه‌ای‌ها، علمی‌ها، کارآفرینان و مسوولیت‌پذیران اجتماعی |

(Goudarzvand Chegini, 2018; Alipoor & Enayati, 2017)

رویکردها و نظریه‌های مسوولیت اجتماعی

رویکردها و نظریه‌های متعددی در خصوص مسوولیت اجتماعی شکل گرفته‌اند که هر کدام از آن‌ها دیدگاه متفاوتی را در خصوص مسوولیت اجتماعی بنگاه‌ها و موسسات ارائه می‌دهند. برخی رویکردها روی مزایا و منافع کوتاه‌مدت و میان‌مدت تأکید دارند و برخی دیگر، با چشم‌انداز بلندمدت به دنبال کسب، منافع و ایجاد

ارزش پایدار هستند. به طور کلی، سه نظریه در مورد مفهوم مسوولیت اجتماعی وجود دارد که به شرح زیر قابل تبیین است: **دیدگاه کلاسیک:** نظریه‌های کلاسیک ریشه اقتصادی دارند. طبق این مفهوم سازمان فقط و فقط یک هدف دارد و آن به حداکثر رساندن سود و به تبع آن حداکثرسازی ثروت سهام‌داران است. در این دیدگاه مسوولیت اصلی سازمان مسوولیت اقتصادی است و مسوولیت‌های دیگر در زمره مسوولیت‌های آن نیست. از

آن جا که این نظریه، مسوولیت‌پذیری اجتماعی بنگاه‌ها را به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی و ایجاد ثروت تلقی می‌کند، بدین منظور نظریه ابزاری نیز نامیده می‌شود (Kazempour & Rahimian, 2019). در این دیدگاه مسوولیت‌پذیری اجتماعی سازمان بیشتر ریشه اقتصادی دارد.

دیدگاه مسوولیت‌پذیری

بر اساس این دیدگاه حیات سازمان وابسته به حیات جامعه است و سازمان دروندادهای خود را از جامعه می‌گیرد و برون‌دادهای خود را به درون جامعه وارد می‌کند. بنابراین، مسوولیت‌های اجتماعی سازمان‌ها، همه جانبه و فراگیر است و آن‌ها باید در حل مشکلات اجتماعی با جامعه همکاری داشته باشند. براساس این دیدگاه، یک سازمان باید نسبت به گروه‌هایی که در موفقیت آن سهیم هستند، احساس مسوولیت نماید. بر اساس این رویکرد، هدف اصلی مسوولیت اجتماعی سازمان‌ها ایجاد ارزش برای ذی‌نفعان بدون تفکیک کسب و کار از اخلاق است. این تئوری به کسب و کار با در نظر گرفتن اخلاق مربوط می‌شود و دغدغه‌های اصلی آن چگونگی پرداختن به منافع ذینفعان و گنجاندن آن در تصمیم‌گیری‌های موسسات است (Salehi Omran et al, 2013). در این دیدگاه مسوولیت‌پذیری اجتماعی سازمان بر اساس تعهد آن به ذی‌نفعان شکل می‌گیرد.

دیدگاه عمومی

این دیدگاه دامنه گسترده‌تر از دیدگاه مسوولیت‌پذیری دارد و معتقد است که سازمان ملزم به حل مسائل و مشکلات جامعه و نیز بهبود کیفیت زندگی عموم افراد در کنار سایر موسسات عمومی است. با توجه به این دیدگاه، سازمان متعهد است به همان اندازه-ای که هدف‌های شخصی خود را دنبال می‌کند، هدف‌های بشردوستانه را نیز پیگیری نماید. بر این اساس، سازمان به طور جدی تلاش می‌کند که مشکلات عمومی مثل فقر، بیکاری، آلودگی، تورم و... را ریشه‌کن نماید. طرفداران این فلسفه معتقدند که چون جامعه اجازه فعالیت و استفاده از منابع کمیاب را به سازمان اعطاء کرده و محیط مناسب برای کسب سود را برای آن به وجود آورده است، لذا باید خود را مدیون به جامعه دانسته و همواره خود را خدمت‌گذار آن بداند (Barzegar, 2014). لذا در این دیدگاه علت مسوولیت‌پذیری اجتماعی سازمان بر اساس اهداف نوع‌دوستانه و خدمت خیرخواهانه اجتماعی است.

پیشینه پژوهش

نگاهی به مطالعات پیشین در زمینه مسوولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که در خصوص شناسایی عناصر و شاخص‌های پدیده مسوولیت اجتماعی سازمان‌ها و حتی نظام دانشگاهی مطالعات لازم وجود دارد ولی به جرات می‌توان گفت که تاکنون تحقیقات منسجم و منظمی در مورد عوامل مؤثر بر

مسوولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه‌ها صورت نگرفته است، بلکه عوامل شناسایی شده بسیار نامنسجم و پراکنده در تحقیقات مختلف گزارش شده‌اند که مستلزم انسجام بخشی لازم به آن-هاست. برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه به شرح زیر هستند:

در پژوهش طبرسا، رضائیان، آذر و علیخانی، Tabarsa, Rezaian, (Azar & Alikhani, 2012) ساختار سازمانی، منابع انسانی، فرهنگ سازمانی، قوانین و مقررات و فرآیندهای سازمانی به عنوان عوامل اثرگذار بر مسوولیت اجتماعی سازمان شناسایی شده‌اند که در بین آن‌ها دو عامل منابع انسانی و فرهنگ سازمانی از تأثیرگذاری بالاتری برخوردارند. بر طبق یافته‌های مشکی و خلیلی شجاعی (Moshabaki & Kh. Shojaei, 2011) بین مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی و مسوولیت‌پذیری اجتماعی سازمان همبستگی مثبت و بالایی وجود دارد که از بین آن‌ها مدل ذهنی کارکنان، اصلی‌ترین مؤلفه مؤثر بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی سازمان است. در این جهت سلطانزاده و همکاران (Soltanzadeh et al, 2015) در یافته‌های خود اعلام کرده‌اند که هرچه جامعه-پذیری کارکنان در سازمان بالاتر باشد امید به افزایش و بهبود مسوولیت اجتماعی بیشتر خواهد بود. در پژوهش بهاروندایران‌نیا (Baharvand Irrannia, 2017) وضعیت فرهنگی-اجتماعی، سیاست‌های راهبردی، ساختار اداری مدیریتی و بروکراسی به ترتیب جایگاه اول تا سوم را در موانع مؤثر بر پاسخگویی اجتماعی دانشگاه‌ها داشته است. عباس‌پور و همکاران (Abbaspour et al, 2015) استقلال دانشگاهی، مشارکت دانشگاهیان در امور جامعه، تعاملات علمی-کاربردی با صنعت، بین‌المللی شدن دانشگاه، کاربردپذیری و تأمین و تخصیص منابع مالی را به عنوان راهبردهای پاسخگویی اجتماعی نظام دانشگاهی شناسایی کرده‌اند. در یافته‌های تیان، لیو و فان (Tian, Liu & Fan, 2015) مدیریت اخلاق‌مدارانه و فشار ناشی از ذینفعان خارجی عواملی هستند که می‌توانند تأثیر مثبت و قابل توجهی بر تثبیت مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها بگذارند. کلودیا، سوفیا، لوسیا و آدریانا (Claudia, Sofia, Lucia & Adriana, 2014) بین ابعاد مختلف سازمان یادگیرنده با مسوولیت اجتماعی دانشگاه رابطه معنی‌داری به دست آورده‌اند، هم‌چنین یافته‌های وزکوز و هرناوند (Vazquez & Hernandez, 2014) مبین رابطه معنی‌دار بین مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها و موفقیت رقابتی آن‌هاست. یافته‌های دیمای و همکاران (Dima et al, 2013) نشان داد که پروژه‌های فارغ‌التحصیل‌محور، همکاری بین‌المللی و پروژه‌های

تشریحی و اکتشافی طبقه‌بندی می‌کند. بر اساس این نوع تقسیم‌بندی، پژوهش حاضر از نوع رویکرد اکتشافی متوالی^۲ است که در دو بخش کیفی و کمی انجام شده است. در روش متوالی اکتشافی در گام نخست پژوهشگر از روش کیفی استفاده کرده، داده‌ها را گردآوری و آن را تجزیه و تحلیل می‌کند، سپس در گام بعد از این نتایج در روش کمی بهره می‌برد. اطلاعات بخش کیفی این پژوهش با استفاده از روش همسوسازی داده‌های چندگانه در سه ضلع جمع‌آوری مبانی نظری و اصول زیربنایی مربوط به موضوع پژوهش، بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی و کسب نظرات آگاهی‌دهندگان کلیدی در حوزه شاخص‌ها و مقوله‌های مدل مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی انجام گرفت. داده‌های حاصل از بخش کیفی پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی کدگذاری و مقوله‌بندی گردید. واحد تحلیل یا ثبت مبتنی بر مضمون یا تم بود که با رویکرد توصیفی-تفسیری مورد پردازش قرار گرفت و بر اساس آن شاخص‌ها و مقوله‌های ابتدایی مدل احصاء گردید. پس از شکل‌گیری مدل اولیه پژوهش، جهت سنجش کفایت و تناسب آن، شاخص‌ها و مقوله‌های مدل پژوهش در قالب یک پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از آگاهی‌دهندگان کلیدی (صاحب‌نظر یا مجرب) در زمینه تعلیم و تربیت و آموزش عالی قرار گرفت و نظرات پیشنهادی مکتوب و شفاهی آن‌ها جمع‌آوری گردید. سپس بر اساس آن و مراجعه و جستجوی مجدد و تکمیلی در مبانی نظری و سوابق پژوهشی، تغییراتی در مدل اولیه تدوین شده اعمال و سرانجام با مراجعه مجدد و مصاحبه و مباحثه با برخی آگاهی‌دهندگان کلیدی، مدل نظری مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی تدوین گردید. اطلاعات بخش کمی پژوهش نیز با اجرای پرسشنامه حاصل از شاخص‌ها و مؤلفه‌های احصاء شده از مطالعات کیفی بر روی نمونه آماری بخش کمی پژوهش به دست آمد.

با عنایت به آمیخته بودن روش پژوهش، در هر یک از آن‌ها از جوامع و نمونه‌های متفاوتی استفاده شده است: الف) جامعه و نمونه آماری در بخش کیفی: با توجه به این که در این بخش جهت همسوسازی داده‌های چندگانه از دو روش اسنادی و آگاهی‌دهندگان کلیدی استفاده شده است، لذا دو نوع جامعه و نمونه مدنظر قرار گرفت:

- در بخش مربوط به روش اسنادی همه منابع و اسناد مربوط به بحث‌های مسوولیت‌پذیری اجتماعی ده سال اخیر از قبیل پایان‌نامه‌ها، مقالات و کتاب‌ها به عنوان جامعه آماری این بخش مدنظر قرار گرفتند. در این بخش، از روش نمونه‌گیری هدفمند به

اجتماعی فرهنگی و بوم‌شناختی تاثیر معناداری بر فعالیت‌های مرتبط با مسوولیت اجتماعی دانشگاه دارند.

نگاهی بر یافته‌های مطالعات گذشته نشان می‌دهد که اولاً هر کدام از آن‌ها به بخشی از عوامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی متمرکز شده‌اند و توصیف و تحلیل کاملی از عوامل مربوط را نداشته و از جامعیت لازم برخوردار نیستند، بویژه این که اکثر پژوهش‌های انجام شده بر عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی پرداخته و عوامل سوق‌دهنده بیرونی مسوولیت‌پذیری را کمتر مورد مذاکره قرار داده‌اند. لذا این امر موجب پراکندگی یافته‌ها و عدم انسجام آن‌ها شده است.

ثانیاً در بین پژوهش‌های انجام شده، شاخص‌های مسوولیت‌پذیری اجتماعی در قالب مدل‌های مختلف آورده شده است، ولی مطالعاتی که عوامل سوق‌دهنده نظام دانشگاهی را با مدل‌ها و الگوهای مختلف ترسیم نمایند آن چنان موردی مشاهده نمی‌شود. بلکه اکثر آن‌ها منجر به یافته‌های پراکنده و غیر منسجم گردیده‌اند که این امر مستلزم ترکیب نتایج پژوهش‌های متعدد و ارائه یک رویکرد و مدل جامع از عوامل مربوط است.

ثالثاً اکثر مطالعات انجام شده درباره مسوولیت‌پذیری اجتماعی معطوف بر شرکت‌ها و سازمان‌های غیرآموزشی است و در زمینه نظام‌های آموزشی بویژه نظام‌های دانشگاهی مطالعات بسیار محدود است و نیاز به تحقیقات بیشتری در این زمینه است. لذا با توجه به خلا موجود در خصوص عوامل مؤثر بر انجام مسوولیت اجتماعی نظام‌های دانشگاهی و فقدان یک الگو و مدل جامع در این زمینه، سؤالات پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند.

سؤالات پژوهش

- ۱- عوامل اثرگذار بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی کدامند؟
- ۲- چه مدلی را می‌توان برای عوامل سوق‌دهنده مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی ارائه داد؟
- ۳- نقش هر یک از عوامل در مدل مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی چقدر است؟
- ۴- آیا مدل ارائه شده برای مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی از برآزش لازم برخوردار است؟

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، جزء پژوهش‌های توسعه‌ای-کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، از نوع پژوهش‌های آمیخته^۱ است. کرسول (۲۰۰۳) طرح‌های تحقیق آمیخته را به سه دسته به‌هم‌تنیده،

1 - Mixed Methods

2 - Sequential Exploratory Strategy

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی شامل اسناد از قبیل کتاب‌ها، مجلات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش بود که جهت احصای شاخص‌ها، مقوله‌ها و مدل اولیه پژوهش استفاده گردید، هم‌چنین در بخش کمی جهت اعتباریابی مدل، پرسشنامه‌ای با ۳۷ گویه در خصوص عوامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی طراحی شد. جهت تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، نظرات آگاهی‌دهندگان کلیدی کسب گردید و روایی سازه و روایی همگرایی آن با تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی قرار گرفت. هم‌چنین جهت برآورد پایایی پرسشنامه از آلفای کراباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که نتایج هر کدام از آن‌ها بر اساس تحلیل‌های نرم‌افزار اسمارت پی ال اس^۲ (نسخه ۳) در جدول (۳) آورده شده است.

یافته‌ها

سؤال اول: شاخص‌ها و عوامل اثرگذار بر مسوولیت-

پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی کدامند؟

بر اساس مطالعات کیفی صورت گرفته با روش همسوسازی داده-های چندگانه، و بر اساس تحلیل محتوای کیفی مبتنی بر تحلیل مضمون مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی به شرح جدول (۲) شناسایی و احصا شده‌اند:

روش اشباع نظری^۱ استفاده گردید. بدین معنی که با انتخاب منابع مرتبط با موضوع و اهداف پژوهش، مطالعات تا نیل تا حد اشباع ادامه یافت. لذا قریب به ۲۵ منبع مورد مطالعه قرار گرفت و از این طریق عوامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری نظام دانشگاهی احصاء شد. در بخش مربوط به آگاهی‌دهندگان کلیدی، همه صاحب نظران و استادان ذی صلاح در حوزه مسوولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی در دانشگاه‌های شمال غرب کشور، جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. بدین منظور تعداد ۱۰ نفر از آگاهی‌دهندگان کلیدی برای سنجش میزان مطلوبیت شاخص‌های احصاء شده در مرحله اول و تکمیل آن‌ها مدنظر قرار گرفتند. این افراد بر اساس معیارهای تخصص، تجربه، علاقه و همکاری در خصوص موضوع انتخاب شدند و سعی گردید آرای آن‌ها نسبت به شاخص‌ها و مدل اولیه تحقیق فراهم گردد.

ب) جامعه و نمونه آماری در بخش کمی: در این بخش جامعه آماری شامل همه اعضای هیات علمی تمام‌وقت دانشگاه‌های آزاد اسلامی شمال غرب کشور در مراکز چهار استان زنجان، اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ هستند که تعداد آن‌ها در سال مذکور ۱۱۰۰ نفر هستند. از بین جامعه مذکور بر اساس فرمول کوکران تعداد ۲۵۹ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به ازای هر استان انتخاب شدند.

جدول ۲- عوامل سوق‌دهنده نظام دانشگاهی بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی

| منبع | شاخص‌ها | دسته‌بندی |
|---|--|---|
| (Noroozi,2014) | سوق دادن فعالیت‌های رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، جرائد، شبکه‌های اجتماعی و ...) جهت انجام مسوولیت اجتماعی توسط نظام دانشگاهی | فرهنگ سازی |
| (Shakeri Hossein Abad,2015); (Shafei & Azizi, 2014); (Shafaei et al,2017) | نهادینه‌سازی مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی در فرهنگ ملی کشور | |
| (Habibi et al,2016); (Shakeri Hossein Abad,2015), (Mozaffari,2011) | اعتقاد آحاد جامعه به نظام دانشگاهی به عنوان مرجع کارشناسی علمی در جامعه | |
| (Habibi et al,2016); (Shakeri Hossein Abad,2015) | حفظ اعتقاد و باور جامعه به دانشگاه جهت حل معضلات اجتماعی | |
| (Ramos-Monge et al,2019); (Bok,2018) | فرهنگ‌سازی و فراهم‌نمایی زمینه مشارکت دانشگاه در امور مربوط به مسوولیت اجتماعی آن در جامعه | نیاز آفرینی و معرفی نیازهای جامعه به دانشگاه |
| خبرگان | نهادینه‌سازی فرهنگ پیگیری و رصد مستمر عملکرد اجتماعی دانشگاه | |
| (Amir Moghaddam et al,2014) | نیاز آفرینی و معرفی نیازهای جامعه به دانشگاه | |
| (Chen et al,2015); (Tetrevova & Sabolova,2010); (Baharvand Irannia,2017) | سطح آگاهی و پاسخ‌خواهی جامعه از پاسخگویی دانشگاه به نیازهای جامعه | تعامل مستمر بین سازمان‌های مردم نهاد و مؤسسات غیردولتی با دانشگاه |
| خبرگان | تعامل مستمر بین سازمان‌های مردم نهاد و مؤسسات غیردولتی با دانشگاه | |

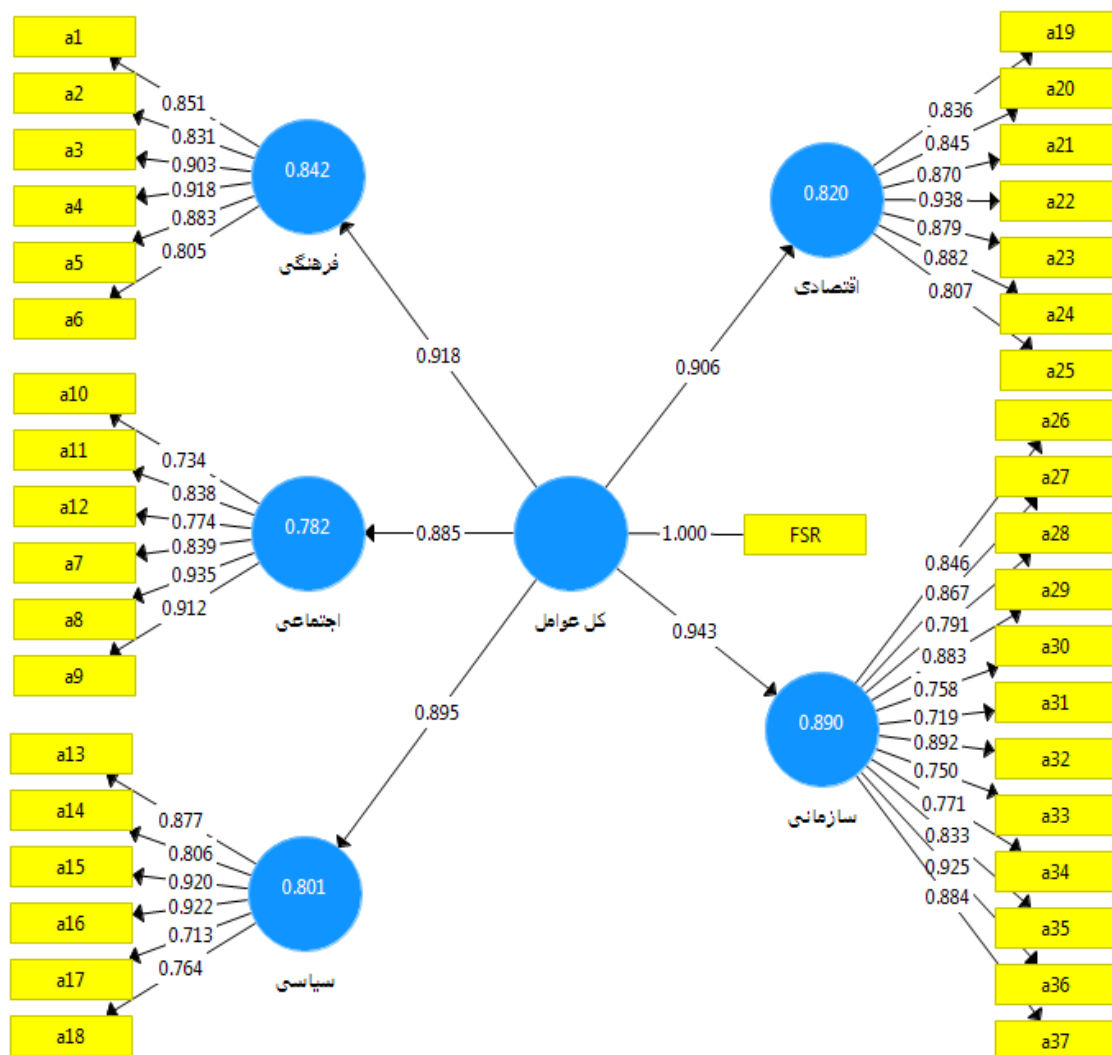
| | | |
|---|---|---------------|
| انتظارات علمی، تکنولوژیکی و نوآوری شهروندان از دانشگاه | خبرگان | |
| ارزیابی عملکرد اجتماعی دانشگاه از طرف تشکل‌های اجتماعی | (Pardakhtchi et al,2012); (Heydari,2015) | |
| محول نمودن پژوهش‌های اجتماع‌بنیان به دانشگاه برای ایجاد تغییرات اجتماعی | (Laursen et al,2012); (Hudson,2013); (Thompson et al,2012); (Bok,2018) | |
| انتظارات حاکمیت از مسوولیت نظام دانشگاهی در قبال جامعه | خبرگان | |
| نوع پیش و باور مدیریت کلان نسبت به توان دانشگاه جهت حل مشکلات جامعه | خبرگان | |
| دخالت دولت و سیاست‌ها و قوانین تشویقی و تنبیهی آن نسبت به مسوولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه | (Bok,2018); Abbaspour et al,2015); (Noroozi,2014) | عوامل سیاسی |
| نشر و انتشار نتایج پژوهش‌های دانشگاهی فارغ از مسائل سیاسی | (Noroozi,2014) | |
| رتبه‌بندی عملکرد دانشگاه‌ها بر مبنای مسوولیت اجتماعی و اطلاع‌رسانی آن به جامعه | (Noroozi,2014) | |
| انتظارات احزاب و تشکل‌های سیاسی از مسوولیت اجتماعی دانشگاه | (Shakeri Hossein Abad,2015) | |
| پشتیبانی مالی جامعه از دانشگاه جهت انجام مسوولیت اجتماعی | (Shakeri Hossein Abad,2015) | |
| حمایت اقتصادی سرمایه‌گذاران و مدیران کلان از دانشگاه جهت انجام مسوولیت اجتماعی | خبرگان | عوامل اقتصادی |
| وابستگی بهره‌وری نیروی کار جامعه به عملکرد دانشگاه | خبرگان | |
| تأثیرپذیری شاخص‌های کلان اقتصادی از کارکردهای دانشگاه | (Torabi Mohsen Abad,2018) | |
| وابستگی سطح درآمد اقشار مختلف اجتماعی به دانشگاه | خبرگان | |
| انتظارات جامعه از ثروت‌آفرینی دانشگاه | خبرگان | |
| نیل به پایداری اقتصادی از طریق دانشگاه | (Abbasi,2015) (Iranzadeh & Shariat, 2013) | |
| منطبق بودن ساختار، رفتار، مدیریت و قوانین دانشگاه با رسالت مسوولیت اجتماعی | (ramos-monge,2019); (Palalic et al,2017); (Ratten,2017) & Tabarsa et al,2012) | |
| توان مالی دانشگاه در ورود به امور مسوولیت اجتماعی | (Amir Moghaddam et al,2014) | |
| گنجانیدن مسوولیت‌پذیری در برنامه‌های راهبردی و سیاست‌گذاری درازمدت دانشگاه | (Ramos-Monge et al,2019); (Darwish,2019) | |
| پیوستن به شبکه‌های ملی و بین‌المللی مسوولیت اجتماعی دانشگاهی و ائتلاف با آنها | (Ramos-Monge et al,2019); (Tetrevova & Sabolova,2010); (Shafaei et al,2017) | |
| برگزاری کنفرانس‌ها و انتشار نشریه‌های مرتبط با مسوولیت اجتماعی و پاسخگویی دانشگاهی | (Ramos-Monge et al,2019); (Shafaei et al,2017) | عوامل فرهنگی |
| منفعت‌طلبی اقتصادی دانشگاه از طریق انجام مسوولیت اجتماعی | (Noroozi,2014) (Heydari,2015) | |
| تخصص مدیران ارشد دانشگاه جهت سوق دادن آن به انجام مسوولیت اجتماعی | (Abbasi,2015), (Iranzadeh & Shariat, 2013) | |
| تعهد دانشگاه جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خود در قبال اجتماع | خبرگان | |
| تلاش دانشگاه جهت افزایش خوشنامی، ایجاد نگرش مثبت و جلب اعتماد عمومی در جامعه و ارتقای منزلت اجتماعی خود | (Harkavy,2006); (Kumari Tabrizi,2016); (Ali Mohammadlu,2014) | |
| توانمندسازی علمی و اجرایی دانشگاه و معرفی آن جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه | (Vazquez et al,2016; Cronje,2015 & Williams et al,2016) | |

| | |
|--|--------|
| انجام مسوولیت اجتماعی از طرف دانشگاه به خاطر عبور از مقررات و دخالت‌های زائد | دولتی |
| خبرگان | دولتی |
| شناخت دانشگاهیان از نیازهای جامعه | خبرگان |

سوال دوم: چه مدلی را می‌توان برای عوامل سوق-دهنده مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی ارائه داد؟

جهت پاسخ به سوال فوق، شاخص‌ها و مؤلفه‌های احصا شده از بخش کیفی پژوهش بر اساس تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم تحلیل شدند و مدل نهایی به صورت شکل (۱) به دست آمد.

بر طبق جدول فوق، بر اساس مطالعات کیفی انجام شده ۳۷ شاخص با ۵ عامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری نظام دانشگاهی شناسایی شده‌اند که عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر کدام ۶ شاخص، عامل اقتصادی ۷ شاخص و عامل سازمانی دارای ۱۲ شاخص هستند.



شکل ۱- مدل عوامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی بر اساس تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

سؤال سوم: نقش هر یک از عوامل در مدل مسوولیت-پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی چه قدر است؟

در مدل فوق بر اساس تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم، بار عاملی ۳۷ شاخص در خصوص هر کدام از عوامل پنجگانه در قالب مدل اندازه‌گیری قابل مشاهده است که حاکی از بار عاملی مطلوب آن‌ها در هر کدام از عوامل است.

جدول ۳- مقدار بار عاملی و ضرایب تعیین عوامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی

| عوامل شاخص‌های آماری | فرهنگی | اجتماعی | سیاسی | اقتصادی | سازمانی |
|----------------------|--------|---------|-------|---------|---------|
| بارهای عاملی عوامل | ۰/۹۱۸ | ۰/۸۸۵ | ۰/۸۹۵ | ۰/۹۰۶ | ۰/۹۴۳ |
| ضریب تعیین R2 | ۰/۸۴۲ | ۰/۷۸۲ | ۰/۸۰۱ | ۰/۸۲۰ | ۰/۸۹۰ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۸۴۲ | ۰/۷۸۲ | ۰/۸۰۱ | ۰/۸۱۹ | ۰/۸۸۹ |

نتیجه آزمون تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای عوامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی در جدول (۳) و نمودار آن در شکل (۱) ارائه شده است. همان طور که مشاهده می‌شود اولاً همه شاخص‌های شناسایی شده دارای بار عاملی قوی در هر عامل هستند، ثانیاً بار عاملی و ضریب تعیین هر کدام از عوامل نیز از حد قوی برخوردار است. لذا تمام شاخص‌ها و عوامل مورد بررسی دارای بارهای عاملی و ضرایب تعیین معنی‌داری هستند و می‌توانند به عنوان عوامل سوق‌دهنده مسوولیت

اجتماعی نظام دانشگاهی مدنظر قرار گیرند. در بین عوامل مذکور عامل سازمانی دارای بیشترین بار عاملی و ضریب تعیین است و پس از آن عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به ترتیب در مراتب بعدی قرار دارند.

سؤال چهارم: آیا مدل ارائه شده برای مسوولیت-پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی از برازش لازم برخوردار است؟

جدول ۴- شاخص‌های برازش عوامل مؤثر بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی

| شاخص‌های برازش | فرهنگی | اجتماعی | سیاسی | اقتصادی | سازمانی |
|---|--------|---------|-------|---------|---------|
| آلفای کرانباخ | ۰/۹۳۳ | ۰/۹۱۶ | ۰/۹۱۲ | ۰/۹۴۴ | ۰/۹۵۸ |
| پایایی ترکیبی CRV | ۰/۹۴۷ | ۰/۹۳۵ | ۰/۹۳۳ | ۰/۹۵۵ | ۰/۹۶۳ |
| میانگین واریانس استخراج شده (روایی همگرا) AVE | ۰/۷۵۰ | ۰/۷۰۹ | ۰/۷۰۱ | ۰/۷۵۰ | ۰/۶۸۷ |
| اشتراک سازه | ۰/۵۷۵ | ۰/۵۰۴ | ۰/۵۰۹ | ۰/۵۵۷ | ۰/۵۵۵ |
| شاخص برازش SRMR | ۰/۰۷۹ | | | | |

بر طبق جدول مذکور میزان آلفای کرانباخ و پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷۰، مقدار پایایی ترکیبی بالاتر از میانگین واریانس استخراج شده، هم چنین مقدار میانگین واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۵۰، و میزان اعتبار اشتراک سازه نیز مثبت است. در نهایت این که شاخص برازش ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده (SRMR) پایین تر از ۰/۱ می‌باشد. لذا می‌توان گفت که همه شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری از حد قابل قبول برخوردار هستند.

مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان داد که در این بخش بر اساس شاخص‌های آماری مدل اندازه‌گیری به دست آمده از برازش لازم و مطلوب برخوردار می‌باشد. در بین عوامل شناسایی شده در مدل مذکور بیشترین بار عاملی مربوط به عامل سازمانی است که با بار عاملی ۰/۹۴۳ به عنوان اولین و مهمترین عامل سوق‌دهنده دانشگاه‌ها به مسوولیت‌پذیری اجتماعی است. این یافته حاکی از آن است که اگر دانشگاه‌ها به دنبال ایفای نقش اجتماعی خود در جامعه باشند، این امر بایستی از درون مجموعه دانشگاه آغاز گردد. به عبارتی تا زمانی که دانشگاه‌ها در حال انجام رسالت‌های نسل اول و دوم دانشگاهی باشند فعالیت آن‌ها به عنوان جزیره‌ای مستقل از جامعه معطوف به آموزش و پژوهش خواهد بود که از رسالت‌های سنتی نظام دانشگاهی است. لذا لازم است به اقتضای تغییر و تحولات نوظهور جهانی آن‌ها نیز در

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل سوق‌دهنده دانشگاه‌ها بر پذیرش مسوولیت اجتماعی بود. یافته‌های حاصل از مطالعات کیفی بر اساس روش همسوسازی داده‌های چندگانه و تحلیل محتوای کیفی منجر به شناسایی ۳۷ شاخص و پنج عامل گردید. در بخش کمی پژوهش، شاخص‌ها و عوامل شناسایی شده از طریق نرم افزار اسمارت پی ال اس بر اساس روش تحلیل عاملی

موازات با رویکردهای نسل سوم و چهارم دانشگاهی فعالیت‌های خود را هم‌راستای نیازهای جامعه کنند.

انجام مسوولیت اجتماعی توسط دانشگاه‌ها مستلزم آن است که آن‌ها در خصوص نتایج حاصل از بخش عوامل سازمانی جدول (۲) از طریق ائتلاف با شبکه‌های ملی و بین‌المللی، مسوولیت اجتماعی دانشگاهی را در برنامه‌های راهبردی و سیاست‌گذاری درازمدت خود مدنظر قرار دهند و به تعهد دانشگاه جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خود در قبال اجتماع پایبند باشند و با تلاش در جهت شناخت نیازهای جامعه، توانمندسازی علمی و اجرایی خود را ارتقا و آن را با مکانیسم‌های مختلف از جمله با برگزاری کنفرانس‌ها و انتشار نشریه‌های مرتبط با مسوولیت اجتماعی به جامعه معرفی کنند. هم‌چنین آن‌ها باید ساختار، رفتار، قوانین، نوع مدیریت به ویژه تخصص و رویکرد مدیران ارشد خود را با رسالت مسوولیت اجتماعی منطبق سازند. این امور در گرو تقویت منابع مالی دانشگاه‌ها در ورود به امور مسوولیت اجتماعی است.

با این که بخش مهمی از رویکرد مسوولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه متمرکز بر عوامل درون سازمانی است ولی بخش دیگری از عوامل معطوف به بیرون از دانشگاه است. در بین عوامل برون دانشگاهی عوامل فرهنگی، اقتصادی سیاسی و اجتماعی به ترتیب به عنوان عواملی هستند که بر پذیرش مسوولیت اجتماعی نظام دانشگاهی اثر می‌گذارند. در بین عوامل برون سازمانی، عامل فرهنگی با بار عاملی ۰/۹۱۸ به عنوان دومین عامل سوق‌دهنده دانشگاه به پذیرش مسوولیت اجتماعی است. به نظر می‌رسد تا زمانی که اعتقاد، زمینه و بستر لازم در جامعه جهت ورود دانشگاه‌ها به حل مسائل اجتماعی فراهم نگردد شاید تلاش دانشگاه در این جهت از تاثیرگذاری لازم برخوردار نباشد. در این مورد مطابقت دارد.

در این خصوص به نظر می‌رسد در جهت یافته‌های منابع احصاشده در بخش عوامل فرهنگی جدول (۲) در ابتدا باید دانشگاه به عنوان مرجع کارشناسی علمی به آحاد جامعه معرفی گردد و در فرهنگ ملی کشور نیز این امر نهادینه و حفظ شود و سپس زمینه لازم برای مشارکت دانشگاه در امور مربوط به مسوولیت اجتماعی در جامعه فراهم گردد و از طریق فعالیت‌های رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، جرائد، شبکه‌های اجتماعی و ...) جهت انجام مسوولیت اجتماعی، پیگیری و رصد مستمر از عملکرد اجتماعی دانشگاه صورت گیرد.

بر طبق یافته‌های پژوهش، عامل اقتصادی با بار عاملی ۰/۹۰۶ به عنوان سومین عامل تبیین‌کننده مسوولیت‌پذیری اجتماعی نظام دانشگاهی است. این یافته حاکی از آن است که اگر خواست دانشگاه و هم‌چنین فرهنگ لازم در جامعه جهت ورود به مسائل

اجتماعی دانشگاه فراهم باشد، ولی تامین منابع مالی آن با چالش‌های مختلفی مواجه گردد، ورود دانشگاه به حل مسائل اجتماعی میسر نخواهد بود. به عبارتی ورود دانشگاه به مسائل اجتماعی مستلزم پذیرش و تحمل هزینه‌های ویژه از سوی جامعه و از طرفی انتظار از دانشگاه به عنوان یک عامل ثروت‌آفرین است. لذا ضروری است تا جامعه و مدیران سطوح کلان کشور منابع مالی لازم را جهت ورود دانشگاه به مسائل اجتماعی فراهم کنند. از سوی دیگر ساختار و سیاست‌های کشور باید طوری طراحی گردد که تاثیر دانشگاه را بر شاخص‌های اقتصادی، بهره‌وری نیروی کار و سطح درآمد اقشار مختلف هموار نماید، به عبارتی علم محور و دانش‌بنیان نمودن اقتصاد کشور می‌تواند فضای لازم را جهت ورود دانشگاه به حوزه اقتصادی و پایداری آن فراهم سازد و این امر مستلزم کنار گذاشتن تصمیم‌های غیرعلمی و به‌دور از کارشناسی و عبور از سیاست‌زدگی و روی‌آوری به دانشگاه به عنوان یک مرجع مهم کارشناسی علمی در مسائل اقتصادی است. در این زمینه منابع احصاء شده در بخش عوامل اقتصادی جدول (۲) به این امر صحنه گذاشته‌اند.

چهارمین عامل موثر و سوق‌دهنده دانشگاه بر پذیرش مسوولیت اجتماعی عامل سیاسی با مقدار عاملی ۰/۸۹۵ می‌باشد. به نظر می‌رسد نقش مدیران ارشد کشور و نوع نگاه و بینش آن‌ها نسبت به دانشگاه و فشار تشکله‌ها و احزاب سیاسی در جامعه و قوانین تشویقی و تنبیهی دولت می‌تواند به عنوان هم‌مانع و هم‌عامل سوق‌دهنده دانشگاه جهت حل معضلات اجتماعی باشد. در این راستا منابع آورده شده در جدول (۲) به این امر صحنه گذاشته‌اند. لذا شایسته است مدیران ارشد و سیستم‌های کلان کشور و جریان‌های سیاسی حاکم بر آن با اتخاذ گرایش‌های سیاسی مطلوب زمینه‌های لازم را جهت ورود دانشگاه به حل مسائل اجتماعی فراهم سازند. از طرفی رتبه‌بندی نظام‌های دانشگاهی از حیث انجام نقش مسوولیت اجتماعی و نشر و انتشار نتایج پژوهش‌های دانشگاهی فارغ از مسائل سیاسی می‌تواند در این جهت راهگشا باشد.

در نهایت عامل اجتماعی با مقدار عاملی ۰/۸۸۵ پنجمین عامل موثر و سوق‌دهنده دانشگاه بر پذیرش مسوولیت اجتماعی است. به نظر می‌رسد احساس نیاز، خواست و انتظارات جامعه و میزان آگاهی و پاسخ‌خواهی شهروندان از دانشگاه به عنوان یک مرجع علمی می‌تواند مسیر و رویکرد دانشگاه را نسبت به مسائل اجتماعی تغییر دهد. به عبارتی با فشار و احساس نیاز جامعه به دانشگاه و ارزیابی عملکرد آن‌ها از سوی اجتماع، نظام‌های آموزش عالی نیز سعی بر آن خواهند داشت تا به عنوان یک سیستم، فعالیت‌های خود را در خصوص حل نیازهای جامعه تنظیم کنند. لذا به طور کلی پیشنهاد می‌گردد اولاً

سیاسی و اجتماعی می‌بایست این زمینه و بستر را برای گرایش دانشگاه به جامعه فراهم سازند.

دانشگاه‌ها توانمندی لازم را جهت کمک به حل مسائل اجتماعی احراز کنند در ثانی نظام‌های فرهنگی، اقتصادی،

References:

1. Abbasi, M. (2015). Comparative Analysis and Prioritization of Dimensions and Indicators of Corporate Social Responsibility from the Viewpoints of Small and Medium-Sized Corporate Managers (Study of Co-operatives and Private Companies Based in Shiraz Big Industrial Estate). Master Thesis in Entrepreneurship Management, Department of new Business, Shahid Bahonar University of Kerman. [in Persian]
2. Abbaspour, A., Shakeri, M., Rahimian, H., & Farasatkah, M. (2015). Qualitative Study of Accountability Strategies of Public Universities from the Viewpoint of Higher Education Experts Accountability Strategies of Public Universities. *Research on Educational Leadership and Management*, 1(3), 1-27. [in Persian]
3. afkaneh, S., jafari, P., sharifi, H., & ghorchian, N. (2018). Developing an appropriate model for service-oriented universities and higher education institutions. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 9(33), 127-152. [in Persian]
4. Ali Mohammadlu, M., Akbari, B., & Mahdavianpour, E. (2014). Identifying Social Responsibility in Universities (USR) Using Fuzzy Delphi. Case study: Shiraz University. *Journal of Iranian Higher Education*, 6(3), 161-192. [in Persian]
5. Alipoor, A., & Enayati, T. (2017). Fourth Generation Universities Research Commercialization. *Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, 7(26), 53-76. [in Persian]
6. Amir Moghaddam, E., Bekzadeh, J., & Asadi Shirin, G. (2014). Identify and prioritize factors that affect accountability. *International Conference on Management, Challenges and Solutions*, Shiraz. [in Persian]
7. Atakan, M., & Eker, T. (2007). Corporate identity of a socially responsible University, a Case from the turkish higher education sector, *Journal of Business Ethics*, 76(1), 55-68.
8. Baharvand, I. (2017). Explore the concept of social accountability of universities, identify the barriers to it, and design and validate a measure to measure it. Doctoral dissertation on Educational Management, University of Urmia, University Campus. [in Persian]
9. Barzegar, G. (2014). Providing a model for disclosing corporate social responsibility and its relationship to financial performance. Doctoral Dissertation in Accounting, Allameh Tabataba'i University. [in Persian]
10. Barzegar, N., ghorchian, N., Taghipur zahir, A. (2019). Pathology of Innovation Capabilities creation in Iranian University Management (Case: Islamic Azad University). *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 10(37), 291-310. [in Persian]
11. Bok, Derek. (2018) Beyond the Ivory Tower: Social Responsibilities of the Modern University, translated by Armin Amir; Ali Papelizadi and Maryam Alamzadeh, Publications Office for Cultural and Social Policy and Planning. [in Persian]
12. Brown, E., & Cloke, J. (2009). Corporate social responsibility in higher education: An International E-Journal for Critical Geographies, 8(3), 474-483.
13. Carroll, A. B., (1999). Corporate Social Responsibility: Evolution Of A Definitional Construct, *Business Society*. 38(3), 268-295.
14. Chen, S-H., Nasongkhla, J., Donaldson, J. A. (2015). University Social Responsibility (USR): Identifying an Ethical Foundation within Higher Education Institutions. *Turkish Online*

- Journal of Educational Technology, 14(4), 165-172.
15. Claudia, L.R., Sofia, C., Lucia, R., & Adriana, B. (2014). Learning organization and social responsibility in Romanian higher Education Institutions, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 142, 146-153.
 16. Creswell, J. W. (2003). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. (2nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage.
 17. Cronje, E. M. (2015). The effects of volunteering on student volunteers. *Progressio: South African Journal for Open and Distance Learning Practice*, 37(2), 1-20.
 18. Dahan, G. S., & Senol, I. (2012). Corporate Social Responsibility in Higher Education Institutions: Istanbul Bilgi University Case, *American International Journal of Contemporary Research*, 2(3), 95-103.
 19. Darwish, H., & Ramezani, F. H. (2019). Accountability and Accountability. *University of Judicial Sciences and Administrative Services Publications*. [in Persian]
 20. Dima., A. M., Vasilache. S., Ghinea., V., Agoston., S., & Armin., A. (2013). A Model of Academic Social Responsibility, *Transylvanian Review of Administrative Science*, 38, 23-43.
 21. Giuffre, L., & Ratto, S. E. (2014). A new paradigm in higher education: University Social Responsibility (USR). *Journal of Education & Human Development*, 3(1), 231-238.
 22. Gomez, C. L. V., & Giroto, M. (2015). Strategic Management in Universities: A Conceptual Framework Based on Ibero-American Higher Education Systems. In *Strategic Management of Universities in the Ibero-America Region* (pp. 1-43). Springer, Cham.
 23. Gourova, E., Todorova, Y., & Gourov, N., (2009). "Skills for Future Engineers: Challenges for Universities in Bulgaria", *WSEAS Transactions on Business and Economics*, 6(7), 385-399.
 24. Grau, F. X., Goddard, J., Hall, B., Hazelkorn, E., & Tandon, R. (2017). *Higher Education in the World 6: Towards a socially responsible university: Balancing the global with the local*. Girona: Global University Network for Innovation. Recuperado de <https://goo.gl/bk2Tsk>.
 25. Goudarzvand chegini, M. (2018). The fourth generation university labor; and action approach (case studies: Cambridge, Stanford, and Harvard universities). *Iranian Journal of Engineering Education*, 20(78), 1-16. [in Persian]
 26. Habibi, N., Vazifehdust, H., & Jafari, P. (2016). Upgrading Islamic Azad University social accountability factors. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22 (2), 125-145. [in Persian]
 27. Harkavy, I. (2006). The role of universities in advancing citizenship and social justice in the 21st century. *Education, Citizenship and Social Justice*, 1(1), 5-37.
 28. Heydari, A. (2015). Analysis of Large-Scale Education Programs Based on Theory of Social Responsibility, M.A Thesis, Al-Zahra University. [in Persian]
 29. Hudson, E., (2013). Educating for Community Change: Higher Education's Proposed Role in Community transformation through the federal promise neighborhood policy. *Journal of Higher Education Outreach and Engagement*, 17(3), 109-138.
 30. IRPHE. (2018). Iran Higher Education Statistics at a Glance. <https://irphe.ac.ir/content/1534>.
 31. Iranzadeh, S., & Shariat, M, A. (2013). A Model for Assessing Social Responsibility and Identifying Organizational Factors Affecting Corporate Social Responsibility, 2th International Conference on Management, Entrepreneurship and Economic Development, Qom, Payame Noor University. [in Persian]
 32. ISNA. (2018). Iranian Universities According to Statistics. Retrieval date: 2018/5/30. <https://www.isna.ir/news/97030804268>.
 33. Jabbour, CJC. (2010). Greening of business schools: A systemic view. *Int. J. Sustainability Higher Education*, 11(1), 49-60.

34. Jara, M. L. (2007). The socially responsible University: a way of being, Global University Network for Innovation newsletter, 27(14).
35. Karima, R., Oshima, Y., & Yamamoto, K. (2006). Identification of subjects for social responsibility education at universities and the present activity at the University of Tokyo. *Environmental Sciences*, 13(6), 327-337.
36. Kazempour, M., Rahimian, N. (2019). Corporate social responsibility: Concepts, Dimensions, Theories and Review of models. *Journal of Accounting Research*, 8(4), 143-165. doi: 10.22051/ijar.2017.13942.1263. [in Persian]
37. Kumari Tabrizi, Z. (2016). The Relationship between Academic Independence and Total Quality Management with Social Responsibility in Tabriz University of Medical Sciences. M.A Thesis, Shahid Madani University of Azerbaijan. [in Persian]
38. Laursen, SA., Thiry, H., Liston, CS. (2012). The impact of a university-based school science outreach program on graduate student participants' career paths and professional socialization. *Journal of Higher Education Outreach and Engagement*, 16(2), 47-78.
39. Ledic, J., Culum, B., Nuzdic, S., Jancec, L. (2008). "What role do Croatian higher institution play? A study on university civic mission". Proceedings of the 4th international Barcelona conference on higher education, vol. 8. Higher education and citizenship, participation and democracy. Barcelona: Guni. available at <http://www.guni-rmies.net>.
40. Mok, K. (2005). Fostering entrepreneurship: Changing role of government and higher education governance in Hong Kong. *Research Policy*, 34(4), 537-54.
41. Moshabaki, A., Kh.Shojaei, V. (2011). Investigating the Relationship between Organization Culture and Corporate Social Responsibility (CSR) (Case Study: Energy Ministry). *Journal of Applied Sociology*, 21(4), 37-56. [in Persian]
42. Mozaffari, G. (2011). Design and validation of university accountability model for stakeholders. Doctoral dissertation, Shahid Beheshti University. [in Persian]
43. Nagy, J., & Robb, A. (2008). Can universities be good corporate citizens? *Critical Perspectives on Accounting*, Elsevier, 19(8), 1414-1430.
44. Nejati, M., Shafaei, A., Salamzadeh, Y., & Daraei, M. (2011). Corporate social responsibility and universities: A study of top 10 world universities' website. *African Journal of Business Management*, 5(2), 440-447.
45. Noroozi, M, R., Danaeifard, H., Fani, A, A., & Hassanzadeh, A. (2014). Theoretical Processing of Social Responsibility Based on Data Theory. *Journal of Management Improvement*, 8(26), 5-34. [in Persian]
46. Ostrander, S. A. (2004). Democracy, civic participation and the university: A comparative study of Civic engagement on five campuses, *Nonprofit and voluntary sector quarterly*, 33(1), 74-93.
[Doi.org/10.1177/0899764003260588](https://doi.org/10.1177/0899764003260588).
47. Palalic, R., Ramadani, V., Dilovic, A., Dizdarevic, A., & Ratten, V. (2017). Entrepreneurial intentions of university students: a case-based study. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 11(3), 393-413.
48. Pardakhtchi, M, H., Bazargan, A., Arasteh, H., & Mozafari, G. (2012). Academic Society's Perceptions on University External Accountability Gap. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. 18(1), 91-112. URL: <http://journal.irphe.ac.ir/article-1-1507-en.html>. [in Persian]
49. Ramos-Monge, E., Llinàs Audet, F. J., & Barrena Martínez, J. (2019). Drivers and barriers of University Social Responsibility: integration into strategic plans. World review of entrepreneurship, management and sustainable development. URI:<http://hdl.handle.net/2117/114981>
50. Ratten, V. (2017). Entrepreneurial universities: the role of communities,

- people and places. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 11(3), 310–315.
51. Reiser, M. (2008). University Social Responsibility definitions. Cited and retrieved from http://www.usralliance.org/resources/Aurilla_Presentation_Session6.
52. Salehi Omran, I., Sabet, A. H., & Hassanzadeh Barani Kord, S. (2013). Investigating the Importance of Corporate Social Responsibility Indicators in Industrial Centers and Universities. *Journal of Iranian Higher Education*, 4(2), 1-35. [in Persian]
53. Shafaei, Y., T; Abili, K; & Faramarz, K., A. (2017). Studying the Current Status of University Social Responsibility Based on the Wallace Model Based on Faculty Members' Viewpoints (Case Study: University of Tehran). *Journal of Iranian Higher Education*, 8(4), 101-79. [in Persian]
54. Shafei, R., & Azizi, N. (2014). A Study of Organizational Social Responsibility Status in Higher Education Universities and Centers in the West of Iran (Designing an Evaluation Model). *Journal of Organizational Behavior in Education*, 1(2), 22-5. [in Persian]
55. Shakeri Hossein Abad, M. (2015). Designing an effective accountability model in public universities (mixed approach). Doctoral dissertation, Allameh Tabataba'i University. [in Persian]
56. Soltanzadeh, V., Ghalavandi, H., Seyed Abbaszadeh, M. (2015). Simple and Combinational Relationship between Organizational Socialization and Social Responsibility (A case study of staff in Urmia University). *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 6(21), 167-190. [in Persian]
57. Tabarsa, G., Rezaian, A., Azar, A., & Alikhani, H. (2012). Explanation and Designing a Model of Social Responsibility. *Journal of Strategic Management Studies*, 2(8), 83-102. [in Persian]
58. Taghi Zadeh, H., Zeyaei, M. (2018). Development Roadmap of Educational Processes in Higher Education Systems (Case Study). *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 9(33), 1-24. [in Persian]
59. Tetrevovala, L., & Sabolova, V. (2010). University stakeholder management and university social responsibility. *WSEAS Transactions on Advances in Engineering Education*, 7(7), 224–233.
60. Thompson M. S., Head, R., Rikard, R. V., McNeil, C., & White, C. (2012). University-community partnerships: Bridging people and cultures in an HIV/AIDS health intervention in an African American community. *Journal of Higher Education Outreach and Engagement*, 16(2), 79–105.
61. Tian, Q., Liu, Y., & Fan, J. (2015). The effects of external stakeholder pressure and ethical leadership on corporate social responsibility in China. *Journal of Management & Organization*, 21(4), 388-410.
62. Torabi Mohsen Abad, B. (2018). Prioritizing the Factors Affecting Social Responsibility in Financial Companies Using the ISM Technique. M.A thesis, Institute of Higher Education North Strategy. [in Persian]
63. UNESCO. (2009). The new dynamics of Higher Education and Research, for societal change and development, in: *communique World Conference on higher education*, Paris 5-8 July.
64. Vallaes, F., Cruz, C., & Sasia, P. M. (2011). *University Social Responsibility*. McGraw-Hill, Interamericana. ISBN: 978-1-59782-0.
65. Vasilescu, R., Barnab, C., Epurec M., & Baicud, C. (2010) Developing university social responsibility: A model for the challenges of the new civil society. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 4177–4182.
66. Vazquez, J. L., Aza, C. L., & Lanero, A. (2016). Citizens' perceptions on social responsibility in public administration organizations: A case study on Spain. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, 12(48), 166-183.
67. Williams, C. C., Martinez-Perez, A., & Kadir, A. M. (2017). Informal Entrepreneurship in Developing Economies: The Impacts of Starting up

Unregistered on firm Performance.
Entrepreneurship Theory and Practice,
41(5), 773–799.